

## عضویت در «گروه اجتماعی خاص» در تعریف «پناهنده»

(مثالی از رویه قضایی «گروه اجتماعی خاص»<sup>1</sup>)

### مفهوم عضویت در «گروه اجتماعی خاص»<sup>2</sup>

پیمان نامه ژنیو سال ۱۹۵۱ ترسایی درباره پناهندگان، مفهوم «پناهنده» را چنین تعریف می کند:

«پناهنده کسی است که به دلیل ترس موجه از اینکه به علت نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در یک گروه اجتماعی خاص یا عقیده سیاسی، مورد آزار قرار می گیرد، در خارج از کشور تابعیت خویش بسر می برد و نمی تواند، یا به علت ترس مذکور نمی خواهد خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد؛ یا در صورتی که فاقد تابعیت است، در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود بسر می برد، نمی تواند یا به علت ترس مذکور نمی خواهد به آن کشور باز گردد.»<sup>3</sup>

درین تعریف پنج دلیل، یا علت یا اساس یاد شده است که اگر در رابطه با کسی این علت های پنج گانه صدق کند، آن کس پناهنده است و آن علت ها عبارت اند از: نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در یک گروه اجتماعی خاص و عقیده سیاسی.

البته چنین کسی باید مورد آزار قرار گیرد، در خارج از کشور تابعیت خویش بسر برد و نتواند، یا به علت ترس از آزار نخواهد، خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد؛ یا در صورتی که شخص بی تابعیت است، در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود بسر برد، نتواند یا به علت ترس مذکور نخواهد به آن کشور باز گردد.

در میان این پنج علت، علت عضویت در «گروه اجتماعی خاص» از همه بیشتر مبهم و مناقشه برانگیز است. دو ویژگی مهم در مورد «گروه اجتماعی خاص» نیز دیده می شود؛ یکی اینکه مفهوم گروه اجتماعی خاص مبهم است و دوم اینکه این گروه محدود نیست و می تواند هر گروه اجتماعی که مورد آزار قرار می گیرد، شامل آن شود. یعنی گروه های بسیار را که شامل نژاد، مذهب، ملیت و عقیده سیاسی نمی شوند، در صورتی که مورد آزار قرار گیرند، می توان به ردیف همین گروه رده بندی کرد.

پرسش این است که «گروه اجتماعی خاص» چه هست و خصوصیت آن چیست؟

از دیدگاه کمیساری عالی ملل متحد برای پناهندگان «یک گروه اجتماعی خاص، گروهی از افراد است که ویژگی مشترک دارند، غیر از خطر مورد آزار قرار گرفتن، و یا جامعه که در آن می زیند، آنان را به عنوان یک گروه می نگرند. این ویژگی مشترک اغلب ذاتی، تغییرناپذیر بوده، و برای هویت، وجدان یا تحقق حقوق بشری فرد اساسی است.»<sup>4</sup>

<sup>1</sup> <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/NL/TXT/?uri=CELEX%3A62021CJ0646>

<sup>2</sup> Membership of a particular social group

<sup>3</sup> برای آگاهی بیشتر بنگرید کتاب حقوق بین المللی پناهندگان تارنمای انجمن سراسری حقوق دانان افغانستان : [Panahandegi.AIDA.end.12.14\(hogooq.eu\)](http://Panahandegi.AIDA.end.12.14(hogooq.eu))

<sup>4</sup> UNHCR: Guidelines on International Protection: "Membership of a particular social group"(...), 7 mei 2002.

دستوالعمل اتحادیه اروپا مقرر کرده است که «گروهی به عنوان گروه اجتماعی خاص تلقی می شود که این ویژگی ها را داشته باشد:

- اعضای گروه یک ویژگی ذاتی یا مشترک دارند که قابل تغییر نیست، یا دارای ویژگی یا اعتقادی هستند که برای هویت آنان، یا تمامیت اخلاقی آنها آنقدر بنیادین است که افراد مربوطه نباید مجبور شوند از آن صرف نظر کنند. و افراد این گروه در کشور زادبوم خویش هویت خاص خود را دارند، زیرا از سوی افراد پیرامون و محیط نزدیک شان به عنوان افراد منحرف شده تلقی می شوند<sup>5</sup>.

در سال های نود سده گذشته برخی از وکیلان مدافع پناهندگان افغانستانی، استدلال می کردند که دانشجویانی که در زمان حکومت دولت حزب دموکراتیک به شوروی سابق تحصیل کرده بودند و پس از حکومت جهادگران در هالند پناهنده شده بودند، شامل این گروه شوند.

در هر حالت دادگاهها می توانند حکم کنند که چنین «گروه اجتماعی خاص» وجود دارد یا ندارد، و کدام شخص یا گروهی از اشخاص شامل «گروه اجتماعی خاص» می شوند یا نه.

افزون بر آن، سازمان های مربوط به پناهندگان از جمله کمیساری عالی ملل متحد برای پناهندگان، نیز شرایطی را برای تشخیص «گروه اجتماعی خاص» تعیین کرده اند که در واقع به مفهوم عبارت «گروه اجتماعی خاص» روشنی می اندازد و در بالا یاد شد.

حکم دیوان دادگستری اتحادیه اروپا که درین نوشته ذکر شده است شاید بتواند به مفهوم «گروه اجتماعی خاص» کمی بیشتر روشنی بیاندازد.

### حکم دیوان دادگستری اتحادیه اروپا

روز سه شنبه، ۱۱ جون سال ۲۰۲۴، دیوان دادگستری اتحادیه اروپا (CJEU)<sup>6</sup> حکمی را در مورد پرونده ک. و ل. 7 صادر کرد.<sup>8</sup>

این پرونده که توسط کمیته دعوی قضایی استراتژیک (CSP)<sup>9</sup> انجمن کمک به پناهندگان هالند پشتیبانی شده بود، در مورد زنان به اصطلاح «غرب زده» بود. آنان زنانی از کشورهای اسلامی اند که در غرب به شیوه زنان غربی زندگی می کنند، حجاب نمی پوشند، لباس های شان به سبک غربی است، به رفتار و کردار خود، خود را پابند امور شرعی نمی دانند.

زنانی «غرب زده» اصطلاحی است که به پناهجویان زن اطلاق می شود که سبک زندگی دیگر و متفاوت از سبک زندگی کشور زادبوم خویش اتخاذ نموده اند؛ در مورد حقوق و آزادی های زنان، دیدگاه های خاصی دارند که با هنجارها و قانون های نافذ و جاری در کشور اصلی شان مطابق و سازگار نیست.

دیوان دادگستری اتحادیه اروپا حکم می کند که دختران و زنانی که «در واقع ارزش های مهم و بنیادین برابری زنان و مردان را پذیرفته اند و مطابق آن رفتار می کنند، در عمل یک «گروه

<sup>5</sup> [Richtlijn 2011/95/EU van het Europees Parlement en de Raad van 13 december 2011 inzake normen voor de erkenning van onderdanen van derde landen of staatlozen als personen die internationale bescherming genieten, voor een uniforme status voor vluchtelingen of voor personen die in aanmerking komen voor subsidiaire bescherming, en voor de inhoud van de verleende bescherming \(europa.eu\)](#)

<sup>6</sup> Court of Justice of the European Union

<sup>7</sup> دو بانوی شهروند عراقی

<sup>8</sup> [EU Law Analysis: A Further Step to Gender-Sensitive EU Asylum Law: The Case of 'Westernised Women'](#)

<sup>9</sup> Commissie Strategisch Procederen

اجتماعی خاص» را می سازند به همان مفهومی که در بند ۱ (د) ماده ۱۰ دستورالعمل یا بخشنامه پارلمان و شورای اروپا (EU/۲۰۱۱/۹۵) تسجیل یافته است.

محتوای این بند ۱ (د) ماده ۱۰ دستورالعمل یا بخشنامه مطابق است با محتوای ماده ۱ بند الف شماره ۲ پیمان نامه پناهندگان ۱۹۵۱.

در حکم دادگاه بیان شده است که شیوه زندگی این دختران و زنان لازم نیست که با انگیزه سیاسی یا مذهبی آنان باشد. یعنی همین که آنان در رفتار و باور خویش ارزش های مهم و اساسی برابری زنان و مردان را پذیرفته اند و مطابق آن رفتار می کنند، آنان در عمل شامل «گروه اجتماعی خاص» می باشند و باید پناهنده شناخته شوند.

### بحث درباره «گروه اجتماعی خاص»

در سال ۲۰۱۸ ترسای، کمیته دعوی قضایی استراتژیک (CSP) انجمن کمک به پناهندگان هالند یادداشتی را منتشر کرد که در آن استدلال می کرد که «زنان افغانی<sup>10</sup> که هنجار و معیار های رایج در کشور خود را نقض می کنند و سبک زندگی غربی را در زندگی خویش برگزیده اند، آنان را می توان به عنوان زنانی شامل «گروه اجتماعی خاص» شناخت، مطابق به همان معنا و مفهومی که در دستورالعمل فوق و در پیمان نامه پناهندگان طبقه بندی شده است.»

همچنین استدلال شده بود که زنان «غرب زده» نباید ملزم شوند تا هنگام بازگشت به کشور زادبوم خویش، خود را با هنجارها و قانون های حاکم بر آنجا تطبیق دهند. یعنی اینکه برگرداندن آنان در عمل ملزم کردن آنان با هنجارها و قانون های حاکم کشور زادبوم آنان است.

به سخن دیگر، این زنان و دختران جوان نباید به آن کشور ها اخراج شوند و نباید مجبور شوند تا در بازگشت به کشور زادبوم یا اصلی خویش، خود را با هنجارها و قانون های حاکم بر آنجا تطبیق دهند. خلاصه اینکه آنان باید به عنوان پناهنده شناخته شوند.

پیش تر ازین، شعبه دادرسی اداری دادگاه عالی هالند<sup>11</sup> که عالیترین دادگاه این کشور در دعوا های مربوط به پناهندگی است، از این دیدگاه پیروی نکرده بود؛ با وجود این که کمیته دعوی قضایی استراتژیک (CSP) نشان داده بود که این رویه در سایر کشورهای هموند بیان نامه وجود دارد و همچنان کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان، پیمان نامه پناهندگان را به همین شیوه تفسیر کرده است.

شعبه دادرسی اداری دادگاه عالی در حکم خود در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۸ بیان کرد که این زنان «غرب زده» تنها در صورتی می توانند واجد شرایط پناهندگی باشند که این رفتار و اندیشه شان بر اساس اعتقادات سیاسی یا مذهبی قوی استوار باشد<sup>12</sup>.

<sup>10</sup> <https://www.vluchtweb.nl/>

Notitie VluchtelingenWerk, CSP: Afghaanse vrouwen die de heersende normen overtreden

<sup>11</sup> Afdeling Bestuursrechtspraak van de Raad van State

<sup>12</sup> [ECLI:NL:RVS:2018:3735](https://ecli.nl/RVS:2018:3735), Raad van State, 201701423/1/V2 ([rechtspraak.nl](https://rechtspraak.nl))

به سخن دیگر، فقط «غربزده» شدن آنان باعث نمی شود که آنان شامل عبارت «گروه اجتماعی خاص» شوند. یعنی آنان می توانند به وطن خویش برگردند. به همان شیوه که سابق زندگی می کردند، زندگی کنند و هم‌رنگ جماعت باشند.

بارها درخواست پناهندگی زنان افغانستانی رد شده و به آنان گفته شده است که می توان از آنان انتظار داشت که آنان رفتار خود را با هنجارهای رایج کشور خود سازگار کنند.

علاوه بر این، مطابق حکم شعبه دادرسی اداری دادگاه عالی، این زنان نمی توانند شامل «گروه اجتماعی خاص» باشند برای اینکه آنان بسیار متنوع و گوناگون اند.

یک از وکیلان عمومی مدافع حقوق پناهندگی به نام «کولین» به تاریخ ۱۳ جون ۲۰۲۳ نوشت که دختران و زنانی که هنجارهای قانونی یا عرفی رایج کشور خود را با دیدگاه ها یا رفتار های خود زیر پا می گذارند، در واقع می توانند یک «گروه اجتماعی خاص» را تشکیل دهند، و این امر مستلزم آن نیست که شیوه زندگی دختران و زنان یادشده ناشی از یک اعتقاد سیاسی یا مذهبی آنان باشد. به سخن دیگر به آنان حق پناهندگی اعطا گردد.

## نتیجه بحث

اکنون دیوان دادگستری اتحادیه اروپا نیز در حکم خود به همین نتیجه رسیده است. در اینجا، این واقعیت مهم است که یک زن در عمل به ارزش های بنیادین برابری حقوقی افراد، برابری زن و مرد باور داشته باشد و هویت خود را بر آن ببیند. برای چنین زنان مهم است که از مزیت ها و فایده های برابری زن و مرد در زندگی روزانه خود بهره مند شود.

البته مهم است که آن زنان از نظر تحصیلات، شغل و حرفه، اندازه و ماهیت فعالیت های شان در عرصه عمومی، امکان مستقل شدن از نظر اقتصادی با کار در بیرون از خانه، با تصمیم گیری های خویش در زندگی، به تنهای، یا یکجا با خانواده، و در انتخاب شریک زندگی، آزادانه عمل می کنند و تصمیم های خود را در زندگی شان انجام دهند، هویت خود را با این اعمال خویش تعیین کنند.

نخست این واقعیت مهم است که یک شهروند زن از کشور ثالث در واقع ارزش اساسی برابری زن و مرد را قبول کرده است و مطابق آن رفتار می کند، و ارزش برابری بین زن و مرد را به عنوان باور یا اعتقاد در نظر می گیرد و این ارزش ها را برای هویت و تمامیت اخلاقی خود مهم میداند. درین صورت نباید از آن زن خواسته شود که به کشور زادبوم خویش برگردد و این ارزش ها را کنار بگذارد.

دوم اینکه، زنان جوان از کشورهای ثالث در طول مرحله ای از زندگی خویش که در آن شخصیت آنان در حال شکل گیری است، در یک کشور عضو اقامت داشته اند، و در طی آن اقامت، آنها در واقع به ارزش اساسی برابری زن و مرد پی برده اند، و مطابق با آن عمل می کنند، آنان زمینه اجتماعی را ایجاد کرده اند که نمی تواند تغییر یابد. همانطور که در ماده ۱۰ (۱) (د)، جزء اول، دستورالعمل ۲۰۱۱/۹۵ اشاره شده است.

البته بند دوم این دستورالعمل مربوط به «هویت خاص» آن گروه زنان در کشور زادبوم می شود که افراد پیرامون نزدیک شان، رفتار آنان را منحرف شده تلقی می کنند و به عنوان افرادی در جامعه

شناخته می شوند که آنان مطابق معیارهای اجتماعی، اخلاقی یا هنجارهای قانونی در کشور زادبوم  
گذرو و گمراه می باشند.

پس، زنانی شامل «گروه اجتماعی خاص»، دارای ویژگیهای مشترک هستند، زیرا آنها در واقع با  
ارزشهای اساسی برابری بین زن و مرد باور دارند، کسانی که در محیط نزدیکشان هستند، این  
زنان را به دلیل همین ویژگی مشترکشان، زنان گمراه و منحرف می دانند، و رفتارشان با  
هنجارهای اجتماعی، اخلاقی یا قانونی در کشور زادبوم آنان سازگار نیست.

درین گفتمان لازم نیست که این ویژگی به اصطلاح «غربزدگی» ناشی از انگیزه های سیاسی یا  
مذهبی باشد تا به مفهوم این ماده مطابقت کند.

با آن هم نمی شود انکار کرد که همین باور به برابری زن و مرد، می تواند باعث آزار و اذیت آنان  
شود که به نوبه خویش ناشی از انگیزه مذهبی یا سیاسی می باشد.

در این حکم، دادگاه خود را تنها به دلیل ها یا علت های آزار محدود نمی کند، بلکه مفهوم «اعمال  
آزار» را نیز مورد توجه قرار می دهد. دادگاه معتقد است که یک عمل آزار می تواند در رابطه با  
جنسیت نیز انجام یابد. جنبه های مربوط به جنسیت، شامل هویت جنسیتی نیز هست که به منظور  
تعیین عضویت در یک «گروه اجتماعی خاص» یا شناسایی ویژگی های چنین گروهی مورد توجه  
قرار گیرد.

این مثالی از رویه قضای را برای این بیان کردم تا برای درک و معنای مفهوم عبارت «عضویت در  
گروه اجتماعی خاص» در حقوق بین الملل پناهندگی که یکی از علل درخواست پناهندگی شمرده می  
شود، اندکی روشنی انداخته باشم.

**پایان**